

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

الف – گروپ لیبرال های دربار (غلام بچگان دربار) :

قرار شواهد تاریخی حضور غلامان در دربار های شاهان سابقه طولانی و تاریخی دارد که در تاریخ معاصر کشور به نام « غلام بچگان دربار » و یا « لیبرال های دربار » یاد شده و همیشه در خدمت و حراست شخص سلطان و به کارهای مختلف دربار اشتغال داشتند .

اگرچه قبل از غزنویان در دربار های خراسان (افغانستان) و فارس داشتن غلام رایج بود (۳۶) اما در دوره پر تجمل غزنویان نه تنها در دربار بلکه افراد و اشخاص قریب دربار ، مامورین بزرگ و درباریان ، روحانیون و افسران عالی رتبه نیز صاحب غلام و کنیز و سامان تجملی بودند . اسناد و مدارک تاریخی نشان میدهد که بونصر مشکان منشی سلطان ، طاهر و بوبکر حصیری ندیمان مسعود علاوه از مال و منال فراوان مالک کنیز و غلام بودند ، تنها حسنک وزیر ششصد غلام شخصی داشت و بوسهل زوزنی که اونیاز ندیمان دربار غزنه بود علاوه از غلامانیکه در سایر ولایات امپراتوری داشت تعداد غلامان او صرف در بلخ به شصت نفر میرسید . (۳۷)

مرحوم حبیبی مینگارد : « در ادوار بعدی تا عهد احمد شاه دستانه های غلامان به نام های (غلامان شاهی) یا (غلامان خانه زاد و غلام خانه) و غیره در دربار خراسان و فارس بوده اند که افسستون عدد ایشان را در عهد سدوزایی تا سیزده هزار تحت قیادت قوللر آقاییان خاص میدانند ... عبدالرحمان خان بنا بر ملحوظات خاص سیاسی فرزند آن خوانین ، متنفذین و بزرگان قبایل را به صفت غلام بچه شامل دربار می ساخت برای اینکه فرزند آن ملوک طوایف در دربار به حیث پرغمل باشد . « به همین منوال داشتن غلام در دربار شاهان افغانستان نه تنها تا دوره عبدالرحمان خان بلکه تا زمان امیر حبیب الله خان رایج بود . (۳۸)

چون غلام بچه ها در دربار آموزش و پرورش میدیدند و با کتاب و قلم آشنایی داشتند ، افراد با سواد ، با احساس و درباری می آمدند . روی همین ملحوظ آنها در مشروطیت اول و دوم ، تشکیل سلطنت امانی ، استرداد استقلال کشور نقش مرکزی داشتند . در جریان مبارزات مشروطه خواهی اول در زمان سرکوبی مشروطه طلبان توسط امیر حبیب الله خان در ۱۹۰۹م چندین تن از این جوانان پرشور و با احساس مانند – سید جوهر شاه خان غوربندی ، لعل محمد خان کابلی ، محمد عثمان خان پروانی و محمد

ایوب خان قندهاری به جرم دست داشتن با مشروطه خواهان و توطئه علیه سلطنت امیر حبیب الله خان اعدام گردیدند. جهت ترسیم و تمثیل هر چه بهتر احساس وطن پرستی، جرئت و عقیده را سخ و خلل ناپذیرشان در برابر امر مشروطیت برای خواننده محترم آخرین سخنان سید جوهر شاه خان را از اثر مرحوم حبیبی «جنبش مشروطیت در افغانستان» و محترم پوهنیا «ظهور مشروطیت و قربانان استبداد در افغانستان» اقتباس می‌نمایم که گویند: در آخرین دقایق زندگانی چون امیر سید موصوف را نمک حرام گفت، وی جواب داد: «مانمک این مردم غریب افغانستان را خورده‌ام برای این مردم تا دم آخر وفادار بوده‌ام و در این وفاداری جان فدا می‌سازیم». سید مسعود پوهنیا از قول میرسید قاسم خان از جمله بنیان‌گذاران مشروطیت در افغانستان می‌نویسد: «قرار مسموع از زبان حاضرین مجلس در وقتیکه جوهر شاه خان موصوف از طرف امیر نمک حرام خطاب شد، او شجاعانه امیر را گفت که وظیفه پادشاه حفظ جان، مال و ناموس رعیت است، اما تو نمک حرام هستی که از دستبرد به هستی رعیت هیچ گونه دریغ نکرده‌ای به ناموس مردم بی‌شرمانه تجاوز می‌نمایی و به عوض حراست و رسیدگی به مردم، شب و روز در عیاشی و فحاشی غرق هستی، هنوز سخنان انتقادآمیز او به پایان نرسیده بود که گلوله‌های تفنگچه چراغ هستی آن مبارز دلیر را خاموش ساخت.»

محمد عثمان خان پروانی در برابر خشم امیر حبیب الله خان چنین پاسخ داد: «زحمت مرگ ما چند دقیقه ای بیشتر نیست ولی زحمت محاسبه با شما ابدی است، ما نمی‌خواستیم شما را بکشیم ولی می‌خواستیم افغانستان را اصلاح نماییم.» (۳۹) مرحوم حبیبی از جمله لیبرال‌های پیش‌گام در بار نام هشت تن از جوانانی را که در جنبش مشروطیت اول مقتول و یا محبوس شدند و یا بعضی از آنها در مشروطیت دوم به مناصب و مقام‌های بلند دولتی نایل آمدند چنین فهرست می‌نماید:

- ۱- سید جوهر شاه خان غوربندی
 - ۲- لعل محمد خان پسر جان محمد خان کابلی
 - ۳- محمد عثمان خان پروانی پسر محمد سرور خان پروانی
 - ۴- محمد ایوب خان قندهاری
 - ۵- پادشاه میر خان لوگری
 - ۶- محمد ولی خان سرجمعه
 - ۷- میرزمان الدین خان بدخشان
 - ۸- شجاع‌الدوله خان غوربندی
- سه نفر اخرا لذکر به علاوه که از اعضای جنبش مشروطه خواهی اول بودند سهم ایشان در مشروطیت دوم هم برابر زنده بود. در اثر مرحوم غبار (افغانستان در مسیر تاریخ) به علاوه اسمای هشت گانه فوق‌الذکر نام‌های چون نظام الدین ارغنده‌وال و میریار بیگ خان نیز به چشم می‌خورد. غلام‌بچه‌ها در برابر امیر حبیب الله خان از نظر وظایف و روابطشان به امیر به دو دسته خاص و حضوری تقسیم می‌شدند. (۴۰)

اول غلام‌بچه‌های خاص:

- ۱- محمد ولی خان بدخشی (سرجمعه) که سوانح مکمل او در فصل «دولت مشروطه» خواهد آمد.
- ۲- جوهر شاه خان غوربندی که در مورد رشادت و وطن‌دوستی وی قبلاً اشاره صورت گرفت.
- ۳- لعل محمد خان کابلی پسر جان محمد خان خزانده دار دوره سلطنت امیر عبدالرحمان خان.
- ۴- محمد یعقوب خان پسر محمد یوسف خان که بعد از عصر سلطنت امان‌الله خان به حیث وزیر دربار ایفای وظیفه می‌نمود.
- ۵- سکندر خان بن لنگر خان پنجشیری، حاکم خلم در عصر امانیه.
- ۶- محمد اسحاق خان نورستانی صندوق‌دار شاه امان‌الله خان خزانده عبدالوکیل خان نایب‌سالار نورستانی.
- ۷- شجاع‌الدوله خان غوربندی که فعالیت‌های او در دوره مشروطه خواهی دوم برجسته‌تر بود.
- ۸- محمد شریف خان بن خان شریف خان چندا ولی.
- ۹- آدم خان احمد زایی پسر دوست محمد خان که از جمله مشروطه خواهان دوم بود.
- ۱۰- غلام صدیق خان چرخ‌پسر غلام حیدر خان چرخ‌پسر که وزیر خارجه او در عصر امانیه بود.
- ۱۱- محمد سمع خان پسر محمد یوسف خان برادر محمد یعقوب خان وزیر دربار عصر امانیه.
- ۱۲- عبدالحکیم خان نورستانی
- ۱۳- محمد اعظم خان شیغنانی پسر آدینه خان
- ۱۴- محمد ابراهیم خان هراتی
- ۱۵- محمد سرور خان نورستانی پسر غلام محمد خان از جمله غلام‌بچه‌های خاص که بعد از حاکم‌اعلی بدخشان مقرر شد.

- ۱۶ - صوفی محمد خان چترالی پسر سهراب خان
- ۱۷ - احمد شاه خان مشهور به (چو چه) پسر اورنگ شاه خان لغمانی
- ۱۸ - صوفی محمد شاه خان
- ۱۹ - محمد عظیم خان
- ۲۰ - فتح محمد خان
- ۲۱ - نیک محمد خان گرد بزی پسر لعل محمد خان
- ۲۲ - محمد امان خان پسر بای محمد خان بدخشان
- ۲۳ - میر بهاء الدین خان خواهرزاده میر بچه خان کوه امنی یکی از مبارزین ملی علیه تجاوز دوم انگلیس به افغانستان
- ۲۴ - محمد اصغر خان شیغنانی
- ۲۵ - صالح محمد خان برادر لعل محمد خان غلام بچه پسر جان محمد خان خزانه دار
- ۲۶ - نور احمد برادر لعل محمد خان غلام بچه پسر جان محمد خان خزانه دار
- ۲۷ - امان الدین رستاقی
- ۲۸ - شیخ عبدالله حاکم پغمان در عصر امانیه
- ۲۹ - محمد ایوب خان غوربندی پسر کاکای شجاع الدوله
- ۳۰ - میر یار بیگ خان شیغنانی
- ۳۱ - عبدالاحد خان پسر شاه بیگ خان
- ۳۲ - غلام صدیق خان شیغنانی پسر کرم خدا خان
- ۳۳ - محمد نوروز خان
- ۳۴ - محمد عثمان خان شیغنانی پسر محمد حسن خان
- ۳۵ - حاجی ملک خان نورستانی

دوم غلام بچه های حضوری :

- ۱ - عزیز الله خان برادر زاده محمد انور خان نایب سالار
- ۲ - عبدالاحد خان پسر برگد عبدالقادر خان احمد زایی
- ۳ - محمد عظیم خان نورستانی
- ۴ - امان بیگ خان پدر داکتر غلام فاروق سابق وزیر صحت
- ۵ - مرزا محمد خان یفتلی پسر محمد علی خان
- ۶ - محمد ایوب خان برادر یعقوب خان وزیر دربار امان الله خان
- ۷ - احمد علی خان لودین بعداً رییس اردو پسر عبدالواحد خان لودین (۴۱)
- ۸ - نور احمد خان برادر احمد علی خان لودین
- ۹ - علی احمد خان برادر احمد علی خان لودین
- ۱۰ - شیر محمد خان
- ۱۱ - محمد ابراهیم خان غوربندی پدر محمد اکرم خان پرونتا وزیر فواید عامه ، محمد شریف خان پرونتا و صالح محمد خان پرونتا
- ۱۲ - خان محمد خان نورستانی
- ۱۳ - ملک محمد خان نورستانی
- ۱۴ - عطا محمد خان برادر لعل محمد خان غلام بچه ، پسر جان محمد خان چترالی صندوق دار
- ۱۵ - میرزمان الدین بدخشی کاکای محمد ولی خان
- ۱۶ - محمد حسن خان شیغنانی
- ۱۷ - مضر شاه خان شیغنانی پسر محمد حسن خان
- ۱۸ - محمد اکرم خان پسر پروانه خان شیغنانی نایب سالار در عصر عبدالرحمان خان
- ۲۰ - عبدالاحد خان پسر شاه بیگ خان شیغنانی
- ۲۱ - پاچا میر خان پسر سر بلند خان احمد زایی لوگری
- ۲۲ - نظام الدین خان ارغند یوال مشهور به سرخه سلیمان خیل از ارغنده پغمان (۴۲)

ب - حزب جمعیت سر ملی :

طوری که قبلاً تذکر رفت در ادبیات تاریخ معاصر کشور حلقه های مشروطه خواهان به نامهای مختلف ثبت شده است که یکی از این حلقه ها گروه روشن فکران و استادان مدرسه حبیبیه بود و به نام حزب « جمعیت سر ملی » یاد میشد . اعضای آنرا مدرسین داخلی و خارجی و افرادی اداری لیسۀ مذکور تشکیل میداد . مرحوم غبار جمعیت موصوف را چنین تعریف می نماید : « ... و اما مرکز عمده روشنفکران دیموکرات که

علاوه از ریفورم، تبدیل رژیم مطلق العنانی را به رژیم دیموکراتیک میخواستند، لیسه حبیبیه بود. دربین این دیموکراتها اشخاص را دیکال هم بودند که به غرض تحقق بخشیدن مرادم خود، ترور و کودتا طلب میکردند. اینها عموماً به مطالعات جراید خارجی و مصاحبت با معلمین خارجی (مستخد مین دولت افغانستان) می پرداختند و مرادم این جمعیت تبدیل حکومت مطلق العنان به یک حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود.

قرار اظهار عبدالهادی داوی انجمن «مشروطه خواهان» به نام «جمعیت سر ملی» یعنی به کسر (س و ر) یاد می شد. (۴۳) پوهاند هاشمی در مورد شکل املائی این جمعیت مینویسد: «حینیکه داوی کتاب مشروطه خواهی نویسد ه را از نظر گذرانید اشتباه مرادر عقب زورق سگرت چنین تصحیح کرد: «سری ملی نه، بلکه سر ملی میا شد. چنانچه برای تائید قول خودش فرمود که زمانیکه امیر حبیب الله خان از فعالیت های حزب مخفی واقف شد، گفت سر ملی را سر ملی (به ضم سین) خواهد ساخت.»

از مطالب بالا چنین استنباط میشود که «جمعیت سر ملی» از جمله عمده ترین و مهمترین حلقه های مشروطه خواهان کشور بود، چه اکثر معلمین، روشنفکران و مغزهای متفکر شامل آن گروپ بودند. طوریکه اسناد عصر مشروطه خواهی بررسی میشود نویسنده گان حلقه های مشروطه خواه را به نام های مختلف یاد نموده اند مثلاً در اثر محمد- حسین پنجابی «انقلاب افغانستان» که متن اردوی آن در «جنبش مشروطه خواهی در افغانستان» تألیف پوهاند هاشمی به ملاحظه میرسد، جمعیت مشروطه خواهان را «مجلس جان نثاران اسلام» نامیده. داکتر عبدالغنی پنجابی یکی از پیش آنگان مشروطه خواهی در کتابش کلمه «مشروطه»، فیض محمد کاتب «جماعت مشروطه خواهان» و مولوی محمد سرور و صف الکوزی در آخرین وصیت نامه خود «ترک مال و ترک جان و ترک سر - در ره مشروطه اول منزل است» کلمه «مشروطه» را به کار برده است. (۴۴)

قسمیکه پیرامون نام جمعیت مشروطه خواهان اول افغانستان نظریات مختلف وجود دارد در مورد ریاست و زعامت آن نیز دیدگاه های متفاوت جلب توجه میکند. به قول میر سید قاسم خان یکی از بنیان گذاران مشروطیت افغانستان به علاوه که محمد سرور و صف ربیبی یکی از حلقه های ده نفری بود، ریاست عمومی این جمعیت را نیز به عهده داشت. (۴۵) اما به عقیده پوهاند هاشمی مؤلف «جنبش مشروطه خواهی در افغانستان» اسناد دست اول تحریری قول میر صاحب را تائید نمیکند. مشا را لیه در جهت تائید ریاست عمومی داکتر عبدالغنی پنجابی به یک تعداد اسناد قبلاً سری «اندیا آفس لندن» که (اکثر ا متعلق به سال ۱۹۰۹ م است) استناد نموده که ما برای وضاحت بیشتر موضوع و درک بهتر خواننده تعدادی از آنها را جنساً از «جنبش مشروطه خواهی در افغانستان» اقتباس مینمایم:

۱ - «مولوی محمد حسین پنجابی (B. A) عصر مشروطه خواهان اول، ناظر وقایع و هم زندان کاکا سید احمد لودین و داکتر عبدالغنی مینویسد: داکتر عبدالغنی خان صدر مجلس جان نثاران بود» (۴۶)

۲ - «در اسناد محرم آمده است که داکتر عبدالغنی خان یک جمعیت را تأسیس کرده که اعضای آن در منزل داکتر عبدالغنی شبانه اجتماع میکنند.»

۳ - «... توطئه توسط داکتر عبدالغنی به راه انداخته شده که هدف آن تأسیس حکومت پارلمانی است. چون این اقدام تا زمانیکه امیر حبیب الله خان زنده است غیر قابل حصول است. بنا بر آن داکتر عبدالغنی و حزیش تصمیم به کشیدن امیر از صحنه میباشند.»

۴ - «از بستر خواب، اسلم غلام بچه و جوهر شاه، یادداشتی به امضاء شان به دست آمده است که عنوانی داکتر عبدالغنی نوشته شده و در این یادداشت رقیقانه، در جمله اخیر آن آمده است که (ترگس) در حال ضایع شدن است و خراب شدن و (عود) و (عنبر) قریب به خشک شدن است.»

۵ - «ملا منهاج الدین در جلال آباد به امیر گفت که: توطئه گران، شبانه به خانه داکتر عبدالغنی اجتماع میکردند راز آن بود که امیر کشته شود و در قرآن امضاء کردند، به خاطر یک فرنگی شده است.»

۶ - «سه نفر به توپ پرانده شد... این اشخاص اعضای «جمعیت مخفی» به سرگردگی داکتر عبدالغنی بودند.»

۷ - «پروفیسورهای هندی که در زندان با داکتر عبدالغنی اند بخاطر نارامی مشروطه خواهی که چندی قبل توسط داکتر غنی ساخته بود، در زندان عا طل نیستند...»

به هر حال، پوهاند هاشمی با وجود ارائه اسناد بالایی باز هم با حزم و احتیاط طور شرطی با اضافه کلمه «اگر» ریاست داکتر عبدالغنی را تائید نموده، اما در هیچ جایی با شفافیت و وضاحت تام در مورد زعامت عمومی او تذکری داده نشده است.

قبل از تائید یا تردید مطالب فوق الذکر بی مناسبت نخواهد بود نکاتی چند پیرامون صحت و سقم نویسندگان خارجی ارائه نمایم. به عقیده ما اخبار، امارو اسناد محققین خارجی به هیچ وجه با گفتار و اقوال شخصیت های درگیر در حوادث قابل مقایسه نیست، زیرا از یکطرف آنها (خارجی ها) باالسنه، عرف و

عنعنات و خصوصیات فرهنگی مردم آشنایی ندارند و از جانب دیگر در شکل و محتوای اخبار و مضامین آنها غالباً مثنوی سیاسی حکومت‌شان نفوذ مینماید و عوامل فوق‌الذکر باعث می‌گردد تا از صحت و دقت آگاهی‌ها و اطلاعات آنها کاسته شود اگرچه بعضی از نویسندگان به روایات و اسناد خبرگزاری‌های خارجی زیاد بها میدهند اما از نظر ما، اقوال، روایات و اسناد تحریری بنیان‌گذاران و شخصیت‌های سهیم در این نهضت ثقه‌ترین اسناد دوره مشروطیت اند که باید از آنها منحصراً مأخذ و مدارک معتبر ملی در پیرویه تحقیق و تدقیق استفاده شود. البته اظهار فوق‌الذکر معنی آنرا ندارد که ما گویا مخالف استفاده از مدارک و شواهد خارجی در جریان تحقیق علمی باشیم، بلکه میخواهیم با لای‌اهمیت و اولویت اسناد و وثایق ملی که از مؤسسان و بنیانگذاران مشروطه تا اکنون در دست است و یادگار آینده دریافت می‌گردد، تأکید نماییم.

در باره نقش رهبری داکتر عبدالغنی، مرحوم حبیبی و میرسید قاسم خان نظر مشابه دارند، بدین معنی که مولوی محمد سرور خان و اصف الکوزی رازعیم و رییس عمومی جمعیت مشروطه خواهان دانسته ریاست داکتر عبدالغنی را در می‌کنند. محترم سید مسعود پوهنیا را از قول مؤلف خود مینویسد که: «ظهور مشروطیت زاده فکر و دماغ خود آنها (مشروطه خواهان افغان) بود نه تلقین اجنبی، تعداد جوانان مشروطه خواه تقریباً به سه صد نفر میرسیدند که بدسته‌های ده نفری منقسم بودند، و هر دسته از رفقاء هم طبع تشکیل شده بود، اما دسته‌ها از هم جدا بوده حتی یکدیگر را کمتر می‌شناختند، هر دسته یک رییس یا نایب رییس و یک منشی داشت رییس عمومی همه دسته‌های مشروطه خواه مولوی محمد سرور خان و اصف بود.» مسعود پوهنیا را ادامه میدهد که: مولوی محمد سرور و اصف زعیم نهضت مشروطه خواهی به سال ۱۳۲۷ هـ ق مطابق ۱۹۰۹ م در یکی از اتاق‌های بزرگ باغ مه‌مانخانه در ولایت کابل که در آن وقت مکتب حبیبیه در آنجا بود تشکیل جلسه داده عده زیادی از مشروطه خواهان در آن گرد آمده بودند. در این جلسه داکتر غنی و برادرانش سهم‌نداشتند، پیشنهاد عریضه بحضور امیر حبیب‌الله خان شد که در آن نوشتند: «در بعضی از کشورها مردم بجزیر و قوت‌قاهره، حکومت را مجبور می‌نمایند تا نظام اداری را تابع آرزو و خواست‌های ملت ساخته شکل مشروطه و قانونی بدهد و در برخی ممالک پادشاه روشنفکر با ابتکار خود و با نیت خیر، قوانین و اصول مشروطیت را در مملکت نافذ می‌سازد. چون سراج‌الملک و الدین پادشاه عالم و ترقی‌خواه است، چنانچه تاسیس مکتب حبیبیه و مکتب حربیه و نشر سراج‌الخبار و آوردن مطبعه عصری و طبع کتب واحداث شوارع و عمارات و غیره از مظاهر لطف و توجه شاهانه و در جهت مجد و اعتلای وطن است لهذا توقع می‌رود که مجاری امور حکومت متبوعه ما نیز به توجه شاهانه‌شان بر اساس قوانین مشروطه استوار گردد، تا از احکام خود سرانه و خلاف مقررات اسلامی جلوگیری به عمل آمده، مردم در تحت سلطه قانون و نظام مشروطیت به حیات مرفه‌ترین گردند.»

هكذا مرحوم حبیبی از قول میرسید قاسم خان مینویسد که: «... این جرگه‌های کوچک با یکدیگر ارتباط نداشتند اما رییس عمومی همه جرگه‌ها مولوی محمد سرور و اصف بود. وی رییس یک جرگه ده نفری نیز بود، که اکثرشان همان رفقای معلمین مکتب حبیبیه را تشکیل میداد.»

مرحوم غبار داکتر عبدالغنی را به صفت رییس عمومی جمعیت مشروطه خواهان نمی‌شناخت، بلکه او را به حیث رییس حلقه معلمین مستخدم هندی معرفی می‌نماید چنانچه در این رابطه چنین تذکر میدهد: «در بین حزب یک حلقه مسلمان‌های هند وستانی نیز موجود شد که رییس آن داکتر عبدالغنی پنجابی و اعضای آن مولوی نجف‌علی و محمد چراغ (برادران داکتر)، مولوی محمد حسین پنجابی (همه معلمین مدرسه حبیبیه) و امرالدین خان بودند.»

علت تعدد نظریات در مورد نام، تاریخ تشکیل حزب و شناخت نامکمل از زعامت و ریاست آن عدم دسترسی به اسناد تحریری و مأخذ تاریخی است، چه فعالین مشروطه خواه به خاطر جلوگیری از خطرات استخباراتی اکثر موضوعات مربوط به این نهضت را ثبت و ضبط نمی‌کردند، فیصله‌ها و قرارها صرفاً شفاهی صورت می‌گرفت. بنا بر همین ملحوظ با وجود نقضاتی مدت کوتاه (تقریباً یک قرن) از آغاز مشروطه اول اکثر موضوعات مجهول و گنگ بوده و یگانه منبع اخذ معلومات به ارتباط این دوره صرف اشخاص و افراد با سطح معلومات، طرز دید و سلیقه‌های متفاوت اند.

با در نظر داشت مطالب فوق، انتخاب داکتر عبدالغنی پنجابی به حیث رییس عمومی حزب «جمعیت مشروطه خواهان» به دلایل ذیل مشکوک و حتی محال به نظر می‌رسد:

اول - احساسات ناسیونالیستی جوانان مشروطه خواه افغان آمیخته با خصوصیات ضد بریتانوی منافی آن است که ریاست یک تشکل سیاسی را که مقدرات آینده کشور را رقم می‌زند به یک خارجی واگذار شوند.

دوم - اراکه عریض و پیشنهادات یک حزب به پادشاه وقت از صلاحیت‌های رییس عمومی حزب است. در جلسه تاریخی ۱۹۰۹ م که در مکتب حبیبیه به پیشنهاد مولوی محمد سرور و اصف جهت تصویب عریضه عنوانی امیر حبیب‌الله خان دایر شده بود، داکتر عبدالغنی حضور نداشت.

سوم – کا کاسید احمد لودین که از مشروطه خواهان صدیق و نیک نام بود زعامت داکتر عبدالغنی را رد میکند. برای وضاحت بیشتر این مطلب سخنان آن پیش آهنگ نهضت مشروطه خواهی را از اثر مرحوم حبیبی «جنبش مشروطیت در افغانستان» به عاریت میگیریم: «روزی زندان بان در اطاقی را باز کرد، صدا زد که محبوسین فقره داکتر غنی بیرون بیایند. چند نفریکه در آن اطاق بودند، بیرون رفتند. سید احمد خان قندهاری مشهور به کاکانیز در آن اطاق بود، از او پرسیدند که پای تو هم در فقره داکتر غنی داخل است. او در حالیکه خود داکتر غنی هم در آن اطاق بود، دشنام رکیکی داد که فلان و بسمدان داکتر غنی! ما به پکره (فقره) خود بندی هستیم. میر قاسم خان میگفت: سخن کاراست بود، زیرا فقره مذکور یعنی مشروطیت اول به داکتر غنی ارتباط نداشت.»

بنا بر دلایل فوق الذکر و به استناد از قول دو شخصیت برآزنده مشروطه خواه – میر سید قاسم خان و میر غلام محمد غبار، مولوی محمد سرور و اصف علاوه بر آنکه رییس یک حلقه ده نفری بود ریاست عمومی مشروطه خواهان افغانستان را نیز بر عهده داشت و داکتر عبدالغنی پنجابی صرف رییس حلقه معلمین مستخدم هندی (جلسه جانتاران ملت) بود.

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767